

شعر دشنه گون

شعر من
شعر نبردورزم و پیکار است
شعر من
شعر نبرد خلق
شعر پیکار و ستیز خلق زحمتکش
شعر من پتک است و داس و خنجر و پیکان
میکند عصیان
های مردم
دشمنان میهن من دشمن غدار و نامرد است
مردمان کشورم رامیکند بمبارد
با تجاوزهای جنسی زندگی دختران میهنم رامیکند بر باد
های مردم
وقت شعر خال و خط و زلف و سنبل نیست
وقت شعر کیف و مستی گل و بلبل نیست
من چه نامردم
اگر شعر عقیمی عرضه گردانم
شعر من
شعر نبرد خلق
شعر پیکار و ستیز خلق زحمتکش
من به جنگ خلق می اندیشم و زان مایه میگیرم
شعر من شعری برای کیف و عشرت نیست
هم برای مدح شاه و قهرمان و زیب و زینت نیست
قهرمان شعر من
جز توده های رنجبر و مظلوم کشور نیست
واژه های دشنه گون شعر من
از رنج و درد توده های کشور من مایه میگیرد
دور از تقلید و تعقید و ریاکاری
شعر من
شعر ضد سرمایه و سود و تبهکاری
هم ضد نامردمی، غارتگری و ظلم و بیدادی
من ز شعرم جبهه رزمنده میسازم
جبهه از مردمی که میشوند بمبارد

جبهه ای از مردمیکه باتجاوز های جنسی
زندگی شان گشته است بر باد
جبهه ای از بینوایان
جبهه ای از بی دویان
جبهه از مردم مظلوم وزحمتکش
میشوم فریاد
از گلوی مردمی که زندگی شان گشته است بر باد
میکنم آزاد
کشورم از یوغ استعمارواستبداد